

## شخصیت و حیات علمی شیخ محمدباقر آیتی بیرجندی

دکتر محمدحسن الهی‌زاده؛ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

*mhelahizadeh@birjand.ac.ir*

دکتر زهرا علیزاده بیرجندی؛ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند

*zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir*

فاطمه خسروی میناخو، مدرس دانشگاه بیرجند

*F\_khosravi\_66@yahoo.com*

### چکیده

شیخ محمدباقر آیتی گزاراری از شخصیت‌های برجسته بیرجند در اواخر دوران قاجار و اوایل دوران پهلوی می‌باشد که به لحاظ نفوذ و نقشی که در اجتماع و فرهنگ منطقه بیرجند داشت، تأثیر مهمی در تحول و بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی بیرجند در دوره مورد نظر ایفا نمود. تعیین میزان تأثیر شیخ محمدباقر مسأله مهمی است که این پژوهش به دنبال روشن کردن آن است. برعهده‌داشتن مسئولیت‌هایی نظیر تولیت اوقاف خصوصی و عمومی در کنار نقش مؤثر ایشان در میانجیگری و رفع اختلاف میان حاکمان محلی و نیز مراجعات روزانه و مکرر مردم جهت رفع مشکلات اجتماعی و شخصی نشان دهنده‌ی جایگاه مهم اجتماعی و تعیین‌کننده‌ی شیخ محمدباقر در بیرجند است. به علاوه حمایت ایشان از تأسیس مدارس به سبک جدید، ریاست و تدریس در مدارس علوم دینی و تربیت شاگردان مشهوری از این طریق، انجام مناظرات با علمای فرق مختلف و صدور فتاوی‌ای جدید از سوی ایشان بیانگر نقش مؤثر شیخ محمدباقر در تحول وضعیت فرهنگی بیرجند محسوب می‌شود. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل و بررسی اسناد و نسخ خطی و فعالیت میدانی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** محمدباقر آیتی گزاراری، بیرجند، عالمان دینی، آثار علمی.

### مقدمه

آیت الله شیخ محمد باقر گزاراری آیتی یکی از شخصیت‌های برجسته بیرجند در اواخر دوران قاجار و اوایل دوران پهلوی به شمار می‌رود. در این دوران خاندان علم به رهبری امیر محمد اسماعیل خان شوکت الملک و برادرش امیر محمد ابراهیم خان در بیرجند حکومت داشتند؛ در این دوران هم مردم و هم امرا به علما احساس نیاز فراوانی می‌کردند. شیخ محمد باقر که پرورش یافته مکتب فقهی-سیاسی سامرا بود و از علمای زیادی اجازه اجتهاد و روایت داشت، پس از اتمام تحصیل و اخذ درجه اجتهاد در ۱۲۶۶ هجری شمسی به بیرجند مراجعت کرد و در آنجا اقامت گزید. ایشان جزو علمای طراز اول منطقه محسوب می‌شدند و به خاطر جایگاه والایی که داشتند مردم بیشتر امورشان را نزد ایشان حل و فصل می‌کردند و از ایشان راهنمایی و کمک می‌خواستند. آیت الله شیخ محمد باقر در این دوران حاکم شرعی مردم محسوب می‌شدند و بیشتر امور اجتماعی به دست ایشان بود. ایشان در طول حیاتشان وظایف مهمی را هم برای جامعه و هم برای حکومت به انجام رسانیدند از جمله مبارزه با فساد و حل و فصل اختلافات حکومتی را به نحو احسن انجام می‌دادند و در زمینه‌های فرهنگی هم با تربیت شاگردان فراوان و صدور فتوای نو در حوزه دین به غنای فرهنگی منطقه کمک زیادی نمودند.

متن:

### ۱- خانواده

ابوالحسن محمدباقر بن محمد بن حسن بن اسدالله بن مولا حاج عبدالله بن مولی علی محمد شریف علوی فاطمی در ربیع الاول ۱۲۷۶ ه. ق. ۱۲۳۵ ه. ش در روستای گازار به دنیا آمد. این روستا بین بیرجند و قاین قرار دارد. مادر او دختر مولی محمدحسین بن مولی ولی الله بن محمد مهدی بن آخوند مولی محمد باقر بن مولی عسکری بن شاه محمد بن مولی دوست محمد قاینی بوده است (حسن امین، ۱۹، ۱۴؛ ج ۹: ۱۸۱) کنبه‌ی او ابوالحسن ذکر شده است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۷) گویا پدرش نام محمدباقر را جهت زنده نگه‌داشتن نام محمدباقر، جد اعلای مادری او برایش برگزید.

وی دو برادر به نام‌های ملاعلی اصغر و ملامحمدعلی داشت که هر دو از او بزرگتر بودند. ملاعلی اصغر از علمای بزرگ عصر خود شد و از آقامحمد مهدی فرزند محمدابراهیم کرباسی، سیدحسن مدرس اصفهانی، شیخ‌رازی فقیه نجفی و سیدهاشم خوانساری اجازه اجتهاد داشت (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۱). آثار وی نشان دهنده‌ی وسعت اطلاعات اوست او از استادان شیخ محمد باقر به شمار می‌آید (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹؛ ج ۱: ۳۰۴). شیخ محمد باقر نیز هنگام برشمردن استادان خود دو برادر بزرگتر خود را نیز جزو آنان می‌داند. ملامحمدعلی نیز در قاین استاد او بوده است. پدر و مادر وی از خاندانی ریشه‌دار و اهل علم و فضل و فرهنگ بوده‌اند. نسب او از جانب پدر به محمدعلی شریف علوی فاطمی ملقب به اشرف‌الشرفاء (متوفی ۱۱۴۹ ه. ق. / ۱۱۴۰ ه. ش) می‌رسد و از جانب مادر به ملامحمد باقر بن مسعود علی شیرخوندی که از علمای بزرگ عهد نادرشاه افشار بوده است که معاصر با علامه مجلسی و شیخ حر عاملی بوده و از آنان اجازه روایت داشته است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۷) او بسیار مورد احترام مردم بود و کرامات بسیاری از او در میان مردم بازگو شده است. او کتابخانه‌ی معتبری در قریه معروف به شیرآخوند فراهم آورده بود و در آنجا به مراتب علم و عمل اشتغال داشت و بخشی از این کتابخانه را افغان‌ها سوزاندند و قسمتی را به غارت بردند. بعضی از آن کتب که متفرقه بودند در دست جناب شیخ محمدباقر در این زمان بوده است (آیتی، ۱۳۳۳: ۳۸۸)

محمود مرعشی او را از شاگردان علامه مجلسی دانسته و یادآور شده که کتاب *حلیة المتقین* علامه مجلسی به خط او نزد محمد باقر آیتی بوده است. وی کتابخانه عظیمی در روستای شیرآخوند داشت که در حمله افغان‌ها به ایران طعمه حریق و غارت شد و برخی از کتابها به بخارا و هرات برده شد و شماری از آنها نزد محمدباقر آیتی باقی ماند. بنا به گفته شیخ محمدباقر کتاب‌های نفیسی با خط‌های بسیار زیبا در این کتابخانه بوده است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۴) که حمله افغان‌ها آن‌ها را پرپر کرده است. تنها آثاری که باقی می‌ماند *حلیة المتقین* مجلسی، *الروائح السماویة* میرداماد، *کشکول* شیخ بهایی، شرح تذکره خواجه، تعلیقه بر شرح چغمینی، *ارشاد علامه*، *عیون اخبار الرضا*، *من لا عقیره الفقه*، *فوائد الظریفه* در شرح صحیفه، *قصص العلماء راوندی* و *تبصره سید مرتضی رازی* است که نزد شیخ محمد باقر بوده است. همچنین شرح نهج البلاغه سید علاءالدین محمد حسینی گلستانه موسوم به *بهجه الحقائق فی شرح کلمات کلام الله ناطق*، نزد شیخ محمد باقر بیرجندی بوده که معلوم نیست از کتابخانه جدش مرحوم شیرخوندی به او رسیده یا از طریق دیگر؛ به هر حال این نسخه در ۱۳۰ ه. ق. / ۱۰۸۹ ه. ش موجود بوده و بانی صحافی آن مرحوم بیرجندی بوده و اکنون به شماره ۱۸۴۷ در کتابخانه آیت الله مرعشی نگهداری می‌شود. یکی دیگر از نسخه‌هایی که در دست او بوده است *المعارف فی شرح الصحائف* می‌باشد که در شرح الصحائف الالهیه شمس الدین سمرقندی نگاشته می‌شده و در ۷۴۵ ه. ق. / ۷۰۴ ه. ش به کتابت درآمده است. این نسخه نیز در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۱۰۹۶۵ م نگهداری می‌شود.

آیتی در بهارستان فرزندان پسر شیخ محمد باقر را ذکر می کند اما در مورد اینکه فرزند دختر داشته یا نه سخنی به میان نمی آورد؛ منابع دیگر نیز در این زمینه سکوت کرده اند. پسران او نیز عبارتند از شیخ محمدحسن، شیخ محمدتقی - که در زمان حیات پدرشان از دنیا رفتند - محمد حسین، شیخ مرتضی و شیخ لطف الله.

## ۲-تحصیلات

شیخ محمد باقر از اوان کودکی دارای ذهنی سرشار و حافظه‌ای قوی بود. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و دو برادر بزرگتر خود فراگرفت و به احتمال زیاد تحصیل او نزد پدر در همان روستای محل زندگی اش بوده است. وی در دوازده سالگی جهت ادامه تحصیل به قاین رفت و در مدرسه جعفریه آن شهر زیر نظر برادر خود مشغول به تحصیل شد. یکی از استادان او در این مدرسه سید ابوطالب بن ابی تراب حسینی قاینی بوده است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۷) سید ابوطالب شاگرد محمد ابراهیم کلباسی بود و آثاری در زمینه فقه و اصول و عقاید داشت. وی از استادانی بوده است که شیخ محمدباقر تعلق خاطر خاصی به او داشته و *عوائد القرویه* را در شرح *فوائد غرویه* او نوشت. همچنین *لؤلؤه الغایه* در اسرار شهادت از تألیفات سید ابوطالب در *مقتل سیدالشهداء* است که شیخ محمد باقر در سراسر کتاب کبریت /حمر از آن نام می برد و همیشه از آن با احترام یاد می کند. وی در دو جا به طور مفصل از آن نام می برد یکی در شرایط وعظ است که هنگام بیان منع دروغ بستن در وعظ و مراثی، نقل قول مفصلی از آن می آورد؛ و دیگری هنگام معرفی کتاب های *موعظه و مقتل* است که در داوری بین این کتاب ها، وقتی به *لؤلؤه الغایه* می رسد می گوید « غالباً مأخوذ از اسرارالشهاده فاضل دربندی است. و حال آن، حال آن است و دانستی» (خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۳).

وی مدت دو سال در قاین به تحصیل پرداخت. در همین دوران اتفاقی در زندگی او رخ داد که جریان عادی زندگی او را دگرگون ساخت. خانلرخان اعتصام الملک که برای تعدیل مالیات قاینات و سیستان از طرف دولت مأمور بود به مدرسه ی قاین رفت. او در سفرنامه اش می نویسد: « در ایوان مدرسه نشستیم. جمعی از طلاب جمع شدند. در میانه یک بچه آخوندی بود به سن سیزده یا چهارده مکلف نبود. پرسیدم چه می خوانی؟ گفت: شرح لمعه را تمام کرده قوانین می خوانم. خیلی زرنگ و حاضر جوابش دیدم. دو سه فقره از مقدمات و فقه از او پرسیدم. خوب جواب داد معلوم شد خیلی خوب تحصیل کرده و می کند. بسیار مستعد و حریص در تحصیل است. اسمش ملا محمدباقر پسر ملا محمد بن حسن از اهل جازار از مجال درخش قاین است. خیلی تازگی داشت به این سن و این طور باسواد و زرنگ و خوش سیما. تا غروب با او صحبت علمی کردم. مغرب به منزل آمدم.» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۱۸۱).

خانلرخان اعتصام الملک، محمدباقر را به نزد امیر قاینات که در آن زمان حشمت الملک بود برد و برات شش تومان برای پول کتاب از امیر برای او می گیرد او ادامه می دهد که: «عصر ملا محمد باقر آمد. فرستادم برات شش تومان انعام او را گرفته به او دادم. کاغذی هم در سفارش او به شیخ الرئیس نوشتم که در مشهد مراقب حال او باشد. در هر مدرسه بخواهد منزلش بدهند تحصیل کند، کاغذ را گرفت و رفت.» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۲۰۳).

شیخ محمدباقر در چهارده سالگی به مشهد مقدس رفت و در مدرسه ی میرزا جعفر در کلاس شیخ الرئیس ابوالحسن میرزای قاجار ساکن شد و به تحصیل پرداخت. به توصیه ی وی، رکن الدوله فرمانروای خراسان و میرزا سعیدخان، متولی آستان قدس، به او احترام می گذاشتند (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۷).

می توان گفت وی تحصیل علوم دینی را به طور جدی از این زمان شروع کرد؛ وی در مشهد استادان متعددی داشت و بیشتر تعلق خاطر او در این زمان فقه و اصول بود. او در این دوره، فلسفه را نزد میرزا علیرضا سبزواری فراگرفت و امور عامه و طبیعیات و الهیات را در نزد او شاگردی کرده است. علاقمندی او به فلسفه و نمود آن را در

کتاب کبریت /حمر می‌توان دید (بیرجندی، ۱۳۳۳: ۱۳). در بین فلاسفه نیز تعلق خاطر خاصی به خواجه نصیرالدین طوسی داشت و همواره با احترام و تعظیم از او یاد کرده‌است.

قرائت و تجوید را نیز در مشهد نزد ملاعلی مزینانی فراگرفت. فقه و اصول را هم در مشهد نزد شاگردان شیخ انصاری و استادان دیگر آموخت. استادان فقه و اصول او در مشهد عبارت بودند از:

۱- محمدتقی بجنوردی: او از شاگردان شیخ انصاری و صاحب جواهر است. او عالمی کبیر و فقیهی شهیر بود و موثق‌تر از او در مشهد نبود. او بنده‌ای صالح و مورد اعتماد بود، و از اعلام دین و الگوی مسلمین بود و مقامات عالیه در تقوا و ورع داشت و با امرا و اهل دنیا مراوده‌ای نداشت و در دل اهل دین محبت زیادی داشت (قمی، ۱۳۸۵: ۵۶۱).

۲- سید عبدالحمد تستری: وی نیز از شاگردان شیخ انصاری بود که به گفته شیخ محمدباقر آیتی، از مطول تا آخر تحصیلات خود را نزد شیخ انصاری گذرانده بود (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۲).

۳- سیدمرتضی یزدی

۴- شیخ علی یزدی

۵- میرزا هدایت الله مدرس ابهری: وی از استادان تأثیر گذار بر شخصیت علمی شیخ محمدباقر بوده و توجه خاصی به شاگردان جوان خود داشته و مکرر می‌فرموده است که من فقط درس را از برای این شخص (محمدباقر آیتی) می‌گویم، زیرا در عالم رویا، شیخ بهایی توصیه او را به من فرمود و گفت: البته این شخص به مقام خواهد رسید (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۲).

محمدباقر در این زمان بیست سال هم نداشت. رجال و درایه را در مشهد فراگرفت و چند اثر در این زمینه تألیف کرد. شاید مقداری از مقدمات این فن را پیش‌تر در قاین نزد سیدابوطالب قاینی نیز فراگرفته بود و اکنون به طور جدی آن را دنبال می‌کرد. او نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را در محضر فتحعلی سلطان‌آبادی آموخت. او پس از تکمیل دروس خود در مشهد مقدس، در ۱۲۹۶ ه. ق/ ۱۲۵۵ ه. ش برای ادامه تحصیل به نجف رفت. این دوران را می‌توان اوج تحصیلات علمی او دانست. وی در نجف، خارج اصول را نزد میرزاحبیب‌الله رشتی فراگرفت. حاج میرزا حبیب‌الله مجتهد رشتی از بزرگترین شاگردان مرحوم شیخ مرتضی انصاری است؛ عالمی فاضل و زاهد بود، بعد از مرحوم آیت‌الله حاج سید حسین کوه‌کمری ریاست بحث و تدریس در نجف اشرف به وی رسیده بود و در تدریس سعی زیادی می‌نمود و اکثر علمای عراق نزد وی تلمذ نموده و بر بحثش حاضر می‌شدند. او مرجع تقلید و تدریس و فتوا بود. از جمله تألیفات او عبارتند از: ۱. بدایع الاصول ۲. کتاب الاجازه ۳. الغصب ۴. رساله تقلید الاعلم. او در ۱۳۱۲ ه. ش/ ۱۳۵۳ ه. ق در نجف اشرف درگذشت (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۰۷).

آخوند خراسانی را استاد اصول او می‌دانند. احتمال دارد که در اوایل ورود به نجف مدتی نزد آخوند خراسانی به فراگیری اصول پرداخته باشد، اما همان‌گونه که خود او تصریح می‌کند عمده تحصیل او نزد آیت‌الله سید محمد حسن شیرازی بوده است.

میرزای شیرازی از بزرگترین فقهاء و مراجع تقلید ایران در قرون ۱۳ و ۱۴ هجری بود او قبل از بیست سالگی به دریافت اجازه‌ی اجتهاد نائل شده و پس از وفات شیخ انصاری عموم شاگردانش او را به ریاست و زعامت برگزیده بودند. میرزای شیرازی در ۱۲۹۰ ه. ق/ ۱۲۴۹ ه. ش به سامرا هجرت کرده بود. با مهاجرت او گروه بسیاری از علماء و فضلاء و شاگردان میرزا روی به آن شهر آوردند و مرکز حوزه‌های شیعی به آن شهر منتقل گردید. میرزا تا پایان عمر مرجعیت مطلق داشت. او شاگردان عالم و مبرز را تربیت نمود. از میان یاران و شاگردانش عده‌ای را برای مشاوره در علوم دینی، سیاسی و اجتماعی مردم برگزید تا در شهرها و ولایات مختلف نماینده او باشند و از همین طریق، واقعه‌ی تحریم تنباکو، تاراج چهارمحال، واقعه‌ی یهودیان همدان و غیره را به بهترین وجه حل و فصل کرد.

شیخ محمدباقر دو سال در درس خارج فقه محمدفاضل ایروانی شرکت کرد. آخوند ملا محمد ایروانی از جمله روسای مجتهدین درجه نخستین بود و در معقول و منقول و فروع و اصول استادی بزرگ بود. شهرتش ممالک اسلامیة روس و ایران و عثمانی و هند همه را فرا گرفته بود و در اکثر علوم مانند فقه و اصول و رجال و فنون سرآمد دیگران بود (واعظ خیابانی، ۱۳۸۲: ۴۸). شیخ محمد باقر همچنین در درس خارج فقه شاگردان شیخ انصاری در نجف، مانند لطف الله مازندرانی، مولی محمد مامقانی، شیخ محمدحسین کاظمی شرکت کرد. خیابانی درباره او آورده است: «شیخ لطف الله مجتهد مازندرانی مجاور نجف اشرف از اهل سلک آذربایجان است. در فقه و علم اصول تبحری به هم رسانیده بود، از محصلین و طلبه‌ی این دو علم گروهی همه روزه در محضرش جمع می‌شدند و مستفید می‌گردیدند» (واعظ خیابانی، ۱۳۸۲: ۸۲).

شیخ محمد باقر آیتی همچنین مقداری از فقه را نزد میرزا حسین بن میرزا خلیل تهرانی فرا می‌گیرد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۲).

از خلال آثار او بر می‌آید که مدتی نیز در درس شیخ هادی تهرانی معروف به «مکفّر» حاضر شده و تقریرات درس او را به نام *تحفه الغریبه* جمع آوری کرده است. این مورد از دید تمام منابع پنهان مانده است. او از بزرگان علمای طراز اول سده‌ی چهاردهم هجری است که حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول می‌باشد. بعد از تحصیل مقدمات لازم علوم عقلی از اکابر وقت تهران، در اصفهان و نجف حاضر حوزه‌ی درس استدلالی فقه و اصول فاضل ایروانی، حاج میرزا حسن شیرازی، شیخ مرتضی انصاری، شیخ عبدالحسین تهرانی شیخ العراقرین و صاحب روضات الجنات شد تا آنکه گوی سبقت از دیگر معاصرین خود ربود و تألیفات سامیه‌ی او برهانی متقن بر مراتب علمیه‌اش می‌باشد. که از آن جمله است: ۱. *اتحاد الوجود و الماهیه* ۲. *الاتقان* ۳. *الارث* ۴. *الاستصحاب* ۵. *اصاله البرائه*. او در ۱۳۱۶ ه. ش / ۱۳۵۷ ق. قرین رحمت حق گردید (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۳۵۹).

اما استاد اصلی شیخ محمد باقر، میرزای شیرازی بود که خود شیخ محمد باقر به آن تصریح می‌کند و سالیانی نزد او به تحصیل پرداخته است. شیخ محمدباقر در بین تمام استادان، تعلق خاطر خاصی به میرزای شیرازی داشته و همواره از او با احترام یاد می‌کند و با القاب شایسته‌ای او را می‌ستاید. میرزای شیرازی نیز شاگرد جوان خود را همواره تشویق می‌کرد. پس از نوشتن *وثیقه الفقهاء*، میرزای شیرازی آن را از او می‌گیرد و پس از یک ماه مطالعه‌ی آن، او را مورد تشویق قرار می‌دهد. چنان که خود شیخ محمد باقر می‌گوید: آیت الله شیرازی نوشته‌های مرا دید و آنها را پسندید و در تشویق و ترغیب من دو یا سه مرتبه فرمود: بنویس، بنویس، بنویس (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۳).

شیخ محمد باقر در همین زمان، همراه با تحصیل به تدریس نیز مشغول بود و با اشاره‌ی میرزای شیرازی، *فرائد شیخ انصاری* را برای بعضی از دوستان خود تدریس می‌کرد و در همین زمان، با تکمیل درجات علمی در فقه و اصول به فراگیری نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و تفسیر قرآن روی آورد. او همچنین از محضر درس سید اسماعیل صدر استفاده کرد.

رجال و درایه را نیز در نجف در خدمت استادان بزرگ آن زمان، مانند میرزا حسین بن میرزا خلیل تهرانی فرا گرفت. ایشان در شب‌های ماه مبارک رمضان، رجال و درایه را تدریس می‌کرد، که شیخ محمدباقر از او استفاده کرد. اما بزرگترین استاد او در این زمینه میرزا حسین نوری طبرسی است. او از بزرگان علما است و کمتر فردی به اندازه او در ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشری و نشر اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام موفق بوده است. در علوم حدیث و تفسیر و معرفت احوال روات، و طبقات رجال اسناد، و تراجم علماء اسلام، سرآمد معاصرین خود است. میرزا حسین نوری تصنیفات سودمندی دارد و کتاب *حافل* که در استدراک و تکمله‌ی *وسائل الشیعه* تصنیف کرده از بزرگترین و مهم‌ترین آثار اوست. این عالم ربانی با مشایخ زیادی مصاحبت کرده و از ایشان استفاده علوم و معارف نموده است (واعظ خیابانی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). هنگامی که شیخ محمد باقر به خدمت حاجی نوری رسید وی مشغول تصنیف *مستدرک الوسائل* بود (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۳).

بیشترین تأثیر را در زمینه رجال و نقل احادیث شیخ نوری بر شیخ محمد باقر داشته است. افکار حاجی نوری تأثیر بس شگرفی بر او گذاشته به گونه‌ای که می‌توان در این زمینه او را پیرو وی دانست. در حقیقت حاجی نوری مکتبی را پایه گذاری کرد که چند نفر از شاگردان او آن را ادامه دادند. و در آثار شیخ محمد باقر هم می‌توان به وضوح اثر آن را دید.

شیخ محمد باقر پس از آن که در بیست و دو سالگی به درجه‌ی اجتهاد نائل آمده بود در ۱۳۰۵ ه. ق/ ۱۲۶۶ ه. ش بعد از تشرف به مکه معظمه به ایران مراجعت کرد و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار نمود (رازی، ۱۳۵۲: ۲۶۶). او سالها در این شهر ملجأ و پناهگاه مردم بود، در حالی که اگر در حوزه‌های بزرگ به بحث و تحقیق و تدریس می‌پرداخت، در ردیف مدرسین بزرگ و مراجع عالی مقام قرار می‌گرفت (جرفادقانی، ۱۳۶۲: ۱۴۵). وی در منبر ید طولایی داشت و از محدثین و اصولیین به شمار می‌آمد (آغا بزرگ طهرانی، ۱۳۶۲: ۱۱۶). شیخ محمدباقر در بیرجند حاکم شرعی مردم بود و در امور مختلف فرهنگی، اجتماعی نقش زیادی را ایفا نمود، ایشان همچنین روابطی را با حاکمیت محلی بیرجند داشت؛ بدین صورت که حکام محلی به واسطه مقام بالای علمی و اجتماعی ایشان، به او احساس نیاز می‌کردند و در مسائل مختلف به ایشان رجوع داشتند و حتی ایشان را در مسائل مهم حکومتی مثل اثبات حق جانشینی دخالت می‌دادند، چون حکم و مهر ایشان در همه‌جا مورد قبول بود. شیخ محمد باقر تصدی اوقافی را که تولیت آن، با اعلم علما بوده‌است را بر عهده داشت و از این رهگذر ارتباط زیادی با مردم داشت، و مردم در این زمینه هم مراجعات زیادی به ایشان می‌کردند. شیخ محمدباقر در تمام دوره حیات خود به مبارزه با فساد اشتغال داشت و با تمام اموری که حیات مسلمین را به خطر می‌انداخت مبارزه می‌کرد او با صوفیان و بایبان و بهایبان و حتی اهل کتاب که تهدیدی برای اسلام بودند مبارزه کرد و در این زمینه‌ها کتاب‌هایی را نیز در بیرجند تألیف کرد که جزو امتیازات ایشان به شمار می‌رود. شیخ محمدباقر در غنای فرهنگ تشیع در منطقه بیرجند تلاش زیادی نمود و این منطقه را به یکی از قطب‌های مهم تشیع تبدیل کرد. این عالم بزرگ سرانجام پس از عمری تلاش و کوشش در راه ترویج دین، در شب جمعه چهاردهم ذی‌حجه ۱۳۵۲ ه. ق مطابق با دهم فروردین ۱۳۱۳ شمسی درگذشت و در مدرسه معصومیه غسل داده شد. در تشییع جنازه او تعداد زیادی از مردم به طور بی‌سابقه‌ای شرکت کردند و در بسیاری از شهرهای ایران مجالس بزرگداشت او برپا شد و حوزه علمیه قم به همین مناسبت تعطیل شد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۷). مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در مدرسه فیضیه مجلس بزرگداشتی برای او برگزار کرد که خطیب شهر سید یحیی یزدی در آن سخنرانی کرد. خاکجای او در قبرستان شمالی بیرجند و در مقبره‌ای که به دستور خود وی ساخته شده است می‌باشد. این ناحیه به علت قرار گرفتن در کنار رود کبوترخان از قدیم به وادی- الحمامه مشهور بوده و بسیاری از سادات و بزرگان قاینات در آن مدفون هستند.

### ۳- جایگاه علمی

شخصیت علمی شیخ محمد باقر را در آثار گوناگونش می‌توان یافت؛ از قرائت و تجوید گرفته تا فقه و اصول و رجال و درایه و کلام و عقاید و غیره همه را در آثار او می‌توان مشاهده نمود. هوش سرشار و حافظه‌ی عجیب او از همان اوان تحصیل زبانزد همگان بود. او در بیست و دو سالگی به درجه‌ی اجتهاد نائل آمد؛ و تألیفات او که حدوداً به ۷۰ اثر می‌رسد. همچنین مناظراتی که او با علمای اهل سنت و حتی شیعه داشته است نیز بیانگر جایگاه علمی اوست.

هوش سرشار و اطلاع وسیع شیخ محمد باقر به حدی بود که به فرزند خود می‌فرمود: برای من میسر است بدون مراجعه به کتب، مهمات فقه را از طهارت تا دیانت، با اشاره فتاوی معظم فقها در هر مسأله بنویسم (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۶). وی نه تنها بر فقه و اصول شیعه تسلط داشت و مورد مراجعه شیعه در نواحی خراسان بوده، که به علت تسلط بر فقه اهل سنت، فرقه‌ی حنفیه نیز به او رجوع می‌کردند. او به حدی در این زمینه مهارت داشت که در نامه‌ها



و پیام‌های دولتی در هرات به او لقب «مفتی الفریقین» می دهند و صورت فتاوی او در افغانستان تا مدت ها موجود بود (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۱).

یکی دیگر از جنبه‌های شخصیت علمی او، اجازه نقل حدیث و آثار گذشتگان از علمای شیعه است وی در این زمینه از چند عالم بزرگ موفق به اخذ اجازه گردیده بود که عبارتند از:

- حاج میرزا حسین نوری طبرسی (نویسنده مستدرک الوسائل) تاریخ این اجازه در پنجم جمادی‌الاولی سال ۱۲۶۸/۱۳۰۹ ه. ش می باشد.
- شیخ محمد استرآبادی
- شیخ محمد حسن مامقانی نجفی
- شیخ جعفر شوشتری
- شیخ علی اصغر قاینی تاریخ این اجازه بیست و نهم محرم ۱۳۱۶/۱۲۷۵ ه. ش می باشد.
- شیخ لطف الله مازندرانی
- آخوند ایروانی
- محمدرضا قاینی (آغا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۴).

برای نمونه در اینجا صورت اجازه‌ی حاج میرزا حسین نوری طبرسی را می آوریم:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد و آله الطيبين الطاهرين و بعد فقد استجاز في الاخ الصالح الصفي و العالم المؤيد الوفي نقاد الاخبار و ناشر الآثار الفاضل الزكي الذكي و المتتبع المطلع الامعي الحبر الماهر مولانا الحاج شيخ محمد باقر بن المرحوم المغفور آقاخوند ملا محمد حسن القائيني ادام الله تعالى توفيقه و تسديده فوجدته اهلا للاجازه فاجزته ان يروي عنى جميع مصنفاتى التى منها نفس الرحمن و فصل الخطاب و دار السلام النجم الثاقب و كامه الطيبه و مستدرک الوسائل و معالم العبر و مستدرک مزار البحار و الصحيفه الثانيه العلويه و الصحيفه الرابعه السجديه و البدر المشعشع و ميزان السماء و ظلمات الهاويه فى مثالب معاويه و شاخه طوبى فيما يتعلق لعبد الزهراء عليها السلام و الفيض القدسى فى احوال المجلسى والجنه الماوى و جميع مصنفات اصحابنا رضى الله تعالى عنهم فى انواع العلوم و مؤلفات العامه باسانيدى التى جمعتهما فى واقع النجوم آل الائمه الطاهرين صلوات الله عليهم و اسئله ان يسلك سبيل الاحتياط و لا ينسانى فى الخلوات و عقيب الصلوات و كتب بيمنه الدائره الجانيه العبد المذنب المسيبى حسين بن محمد تقى النورى الطبرسى فى الناحيه المقدسه سر من راي على مشرفها آلاف التحية والثناء فى الليله الخامسه من جمادى الاولى من سنه ۱۳۰۹ حامدا مصليا مستغفرا و خاتمه الشريف قال رسول الله صلى الله عليه و آله حسين منى و انا من حسين (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

و همچنين نامه آيت الله الاعظم مرحوم آقا سيد اسماعيل صدر که بعد از ميرزا محمد حسن شيرازى رياست مذهبي بر ايشان مستقر گرديد را که برای شيخ محمد باقر نوشتند را در اینجا می آوريم اصل اين نامه در دست محمد حسين آيتى بوده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب عمده العلماء و الاتقياء و زبده الفقهاء الازكياء آقاى شريعتمدار آقاى حاجى شيخ محمد باقر قائينى بيرجندى دام قدسه و فضله العالى که فى الحقيقه محيى آثار جناب رسول رب العالمين و مروج شريعت مطهره حضرت خاتم النبیین صلى الله عليه و آله الطاهرين ميباشند و له الحمد و له المنه بدرجات عاليه از علم و مقامات ساميه از تقوى و ورع رسیده و حجت بزرگى هستند که حضرت ايزد منان جلت نعمائه به ما و اهالى آن اطراف از اخوان متدين وفقهم الله تعالى عنایت فرموده و مدام در مقام شکرگزاری و قدردانی باید بوده و کمال اکرام و احترام آن جناب را رعایت نمایم و ضمنا از جناب ايشان خواهش داريم که در امور حسبيه شرعيه از حفظ اموال صغار و

قصار و غیاب و من لا وارث له الا الامام علیه افضل الصلوه و السلام و امثال آن از اموری که مرجع آنها حاکم شرع انور است و نمی توان بدیگری اذن داد اهتمام فرمایند و تصدی نمایند که اسباب آسودگی برادران دینی آن نواحی بوده باشد و البته چنانچه مرجو از ایشان است طریق احتیاط را که سبیل نجات است سلوک خواهند فرمود و این احقر را از دعا فراموش نخواهند نمود چنانچه این ضعیف پیوسته دعاگوی ایشان و سایر دوستان و برادران ایدهم الله تعالی خواهد بود انشاءالله، ۱۹ شوال احقر ابن صدر الدین الاملی، مهر شده عبده اسماعیل موسوی (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

افراد زیادی از دانشمندان و فضلا از شیخ محمد باقر اجازه روایت، دریافت کرده اند مانند:

- ابوالحسن مشکینی، حاشیه‌نگار کفایه الاصول

- سید علی نقی هندی

- سید شهاب الدین مرعشی نجفی در گذشته هفتم شهریور ۱۳۶۹ شمسی. شیخ محمد باقر به این شخص دو اجازه داده است. اجازه اول کوتاه و در سال ۱۳۴۰ ه.ق/۱۲۹۹ ه.ش، دیگری مفصل و در سال ۱۳۴۱ ه.ق/۱۳۴۰ ه.ش که از آن به عنوان: اجازه الوجیزه للدره الفاخره العزیزه؛ یاد نموده است که صورت این اجازات در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود می باشد.

- الآقا محمدرضا الشریف الکمیلی

- الآقا جلال الدین محمد بن ابی تراب شیرازی

- سید علی مدد الموسوی قاینی (الحسینی، ۱۴۱۴: ۶۰۳)

- سید ابوالقاسم شیرازی

- حاج علاء الدین کرمانشاهی، از خاندان وحید بهبهانی

- حاج محمد حسن شیرازی، از همان خاندان وحید بهبهانی

- سید حسن آل طه یزدی نویسنده جواهر العدیدیه که تاریخ اجازه اش ۱۸ رجب سال ۱۳۴۶ ه.ق/۱۳۰۵ ه.ش و در مقدمه این کتاب چاپ شده است.

- شیخ ابوالقاسم بن محمد بیرجندی

- فرزند معظم له، شیخ محمد حسین آیتی (آغا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۵ و سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۸۹).

شیخ محمد باقر در اتصال سند احادیث به علمای روات و از ایشان به ائمه هدتا تا برسد به رسول اکرم صلوات الله و سلامه علیهم ید طولایی و موثقی داشت که در رساله اجازات مشروحا مرقوم داشته است که یک نمونه از آن را می آوریم:

فبقول حدثنا الشيخ الاجل وارث العلوم الانبياء مجمع الفضائل و المفآخر ابوالحسن محمد بن الحسن باقر قدس الله روحه عن المحدث الجليل المؤيد بالفيض القدسي الحاج ميرزا محمد حسين النوري الطبرسي قدس سره عنه الشيخ مرتضى الانصاري قدس سره المتوفى سنة ۱۲۸۱ في النجف الاشرف و دفن في صحن الشريف عند باب القبلى عن الشيخ الفقيه و العلامة النبيه الحاج ملا احمد النراقي صاحب المستند عن السيد الاجل السيد مهدى المدعو ببحر العلوم قدس الله ضريحه عن الاستاد الاكبر الوحيد البهبهاني عن الشيخ الاجل والده الاكمل قدس سره عن العلامة باقر العلوم اهل البيت المجلسى اعلى الله مقامه عن الشيخ الاجل المؤيد بالفيض القدسي مولانا محمد تقى المجلسى عن شيخ الاسلام و المسلمين بهاء المله و الدين محمد عاملى عن والده الشيخ المحدث الفقيه الشيخ حسين بن عبد الصمد الحارثى عن الشيخ الامام خاتم المجتهدين زين الدين الشهيد الثانى (قد) عن شيخه اوستاده نور الدين على بن عبد العالى الميسنى الجزينى عن الشيخ محمد بن داود الجزينى العاملى (قد) عن الشيخ السعيد ضياء الدين على بن الشهيد (قد) عن والده الشيخ الاجل ركن الشريعة و فخر الشيعه حجه الاسلام و شمس الدين محمد بن مكى الشهير بالشهيد الاول قدس الله روحه عن فخر الاسلام و معلم الاعلام علامه الحلى عن والده وارث علوم الانبياء و المرسلين



رئیس المذهب الحسین بن مطهر الحلی قدس سره عن ابی القاسم جعفر بن سعید الحلی المشتهر بالمحقق صاحب شرایع الاسلام عن السید فخار بن معد الموسوی الحایری عن الشیخ السدید الدین شاذان بن جبرئیل الفی رضی الله عنه عن الطبرسی عن الثقة الجلیل الشیخ حسن الملقب بالمفید الثانی عن والده شیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی قدس سره عن الشیخ الامام ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان المشتهر بالمفید عن الشیخ الصدوق محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد علامه عن ابیه رضی الله عنه عن محمد بن موسی المتوکل عن علی بن ابراهیم القمی عن ابیه ابراهیم بن هاشم عن یوسف عقیل عن اسحاق بن راهویه عن الامام ابی الحسن الرضا علیه السلام عن ابیه العبد الصالح ابی الحسن الرضا علیه السلام عن ابیه الامام جعفر بن محمد الصادق عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن الامام ابی الحسن علی بن الحسین عن الامام ابی عبدالله الحسین الشهید بالطف عن الامام ابی الحسن علی بن ابی طالب امیر المؤمنین صلوات الله علیه قال سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول سمعت جبرئیل یقول سمعت عزوجل یقول کلمه لاله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی و نعم ما قال القائل:

اذا شئت ان ترضی لنفسک مذهباً  
ینجیک یوم الحشر عن لهب النار  
فخذ بالناس قولهم و حدیثهم  
روی جدنا عن جبرئیل عن الباری (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۱۷).

#### ۴- شاگردان

شیخ محمدباقر در بیرجند همه‌روزه به تدریس فقه و اصول می‌پرداخت و از این رهگذر گروه بسیاری از فضلاء قاین و بیرجند را در دامان خویش پروراند که برخی از ایشان عبارتند از:

- آیت الله حاج شیخ محمدحسین آیتی صاحب بهارستان و مقامات ابرار که ایشان فرزند معظم‌له بودند و شرح حالشان گذشت.

- آیت الله شیخ جواد عارفی بیرجندی، از علمای فاضل و مبارز بیرجند است که در ۱۲۷۲ ه.ش/ ۱۳۱۳ ه.ق بدنیاً آمد؛ او در جریان کشف حجاب دوره رضاخان بارها با افشاگری و سخنرانی‌های آتشین به ضد کارهای او پرداخت او مدتی نیز سرپرستی مدرسه علمیه معصومیه را به عهده داشت و به تربیت طلاب و فضلاء همت گماشت (رضایی، ۱۳۸۱: ۶۲۵)

- آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم مدرسی که از علمای معروف بیرجند بودند و در زمان خودشان جزو علمای طراز اول بیرجند و جزو ائمه جماعت بودند و مورد اعتماد و اطمینان بیشترین افراد از متدینین و عارفین بودند.

- آیت الله شیخ غلامرضا محوری معروف به فاضل؛ ایشان نیز فرد بسیار با تقوایی بودند که از تألیفات ایشان یکی «تفسیر سوره‌ی حمد» است و دیگری کتاب «چهل حدیث» که هیچکدام به طبع نرسیده و به صورت نسخه خطی موجود می‌باشد. ایشان همه‌روزه صبح در منزل خودشان جلسه‌ای داشتند که عده‌ای از بازاریان و مردم عادی یک ساعت به عنوان استفاده از محضر ایشان حضور پیدا می‌کردند.

این دو فرد از شاگردان شیخ محمدباقر یعنی حاج شیخ ابوالقاسم مدرسی و آیت الله شیخ غلامرضا محوری معروف به فاضل به درجه‌ی اجتهاد در بیرجند رسیدند که این امر از امتیازات شیخ محمدباقر به شمار می‌آید (دیانی، اسماعیل، مصاحبه).

- شیخ محمد علی دیانی: محمدعلی دیانی فرزند کربلایی حسن در ۱۲۷۴ ه.ش/ ۱۳۱۵ ه.ق در خانواده‌ای مذهبی واقع در بیرجند متولد شد و از هفت سالگی آموزش قرآن و کتب اخلاقی و دینی را شروع کرد؛ ایشان در ضمن کار به فراگیری قرائت و علم تجوید و صرف و نحو در نزد اساتید زمان پرداخت؛ او در مدرسه علمیه معصومیه نزد مرحوم حاج شیخ محمدباقر گزاری و حاج شیخ غلامرضا فاضل تدریس کرد و از بزرگان زمان خود گشت، کتابهایی از ایشان باقی‌مانده که شامل تعدادی نسخه خطی، و چاپی است (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۲۹).

علاوه بر این افراد برجسته، شیخ محمد باقر صدها عالم و طلبه را در منطقه تربیت کرده و نقش مؤثری در تبدیل آن به یکی از مناطق مذهبی داشته است. شیخ محمد باقر بلاغ های بسیاری بر آثار محققین و نویسندگان دارد از جمله بلاغ ایشان بر نزهه القلوب سجستانی. منظور از بلاغ در اینجا اطلاع رسانی به دیگران در جهت آگاهی یافتن بر کاری که نویسنده ای انجام می دهد می باشد.

## ۵-تالیفات

از آیت الله شیخ محمد باقر آیتی کتابها و رساله هایی در رشته های مختلف علوم اسلامی همچون فقه و اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، رجال و درایه، قرائت و تجوید و شعر و ادب برجای مانده که اکثر آنها به خط شریفش در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی موجود است. این آثار با توجه به موضوعاتشان در زمینه های مختلف دسته بندی شده است و عبارتند از:

### الف) فقه

شیخ محمد باقر در بیست و دو سالگی به امر میرزای شیرازی دست به تألیف فقهی وثیقه الفقهاء زد و مورد تحسین و تشویق قرار گرفت. او به اندازه ای در فقه چیره دست بود که به گفته فرزندش، ایشان می فرمود: از برای من میسر است بدون مراجعه به کتب، مهمات فقه را از طهارت تا دیات با اشاره به فتاوی معظم فقهاء در هر مسأله بنویسم. کتابهای فقهی ایشان عبارتند از:

۱- وثیقه الفقهاء: این کتاب شرح بزرگ و استدلالی تبصره المتعلمین علامه حلی است، در دو جلد نوشته شده و گویا ناتمام مانده است، و خود شیخ محمد باقر می گوید که آنها اول ما صنفته من الفقه (تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۲۵؛ ۱۲۷). این کتاب نشان دهنده ی درجه ی اجتهاد اوست و در سن بیست و دو سالگی نوشته و به طوری که مشخص می شود اولین تألیفی بوده که ایشان داشته است نسخه خطی آن اینک در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۲- عین الباصره فی شرح التبصره: شرحی است بر کتاب فقهی تبصره علامه که ناتمام مانده است (سعید زاده، ۱۳۶۹: ۴۹۲).

۳- رساله الغرضیه: در مسأله «عول و تعصب» رد بر عامه نوشته شده و نسخه اصل آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۱).

۴- منجزات المریض: در مورد اینکه منجزات از اصل ترکه میت خارج می شود (همان: ۱۰).

۵- مجمع المسائل: که فقه به زبان فارسی می باشد.

۶- طلاق الحاکم زوجه الغائب: این کتاب نیز در مورد مسائل فقهی می باشد که در آن مجوز طلاق برای زنی که همسرش غایب باشد پس از چهار سال صادر می شود.

۷- صلاه الجمععه: شیخ محمد باقر قائل به وجوب عینی نماز جمععه و وجوب جمع بین آن و نماز ظهر بود (همان: ۱۰).

۸- نصیح الاستغاثه فی الملاعین الثلاثه: این کتاب به زبان فارسی و در بیان احکام فقهی و مضرات افیون و دخانیات و تراشیدن ریش و حرمت شراب است که مؤلف با استفاده از آیات قرآن و روایات پیامبر و اهل بیت و همچنین مباحث پزشکی این سه امر را حرام اعلام می فرماید. این کتاب مشتمل بر سه استغاثه است. نصیح الاستغاثه به معنای نصیحت و فریادرسی می باشد. این رساله اینگونه آغاز می شود: «الحمد لله رافع درجات العالمین فی الافاق و صلی الله علی محمد المبعوث لتتمیم مکارم الاخلاق و علی آله العز الکرام و اصحابه التابعین الفخام... و بعد این چند کلمه ایست موسوم به نصیح الاستغاثه من الملاعین الثلاثه که بجهت امثال امر حضرت

جبار و حدیث رسول مختار صلی الله علیه و آله بر قلم این قاصر تبه‌کار محمدباقر بن محمدحسن نزیل البیرجند جاری شد...» (بیرجندی، رُبی تا: ۱) این کتاب به صورت نسخه خطی در کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد و شامل ۶۸ برگ می‌باشد.

۹- الرجعه فی النکاح: این کتاب مختصر به عربی نوشته شده است و در مورد بازگشت به زندگی زناشویی پس از طلاق می‌باشد که با توجه به شرایط زمانه نگاشته شده است و شامل ۳۶ برگ می‌باشد و نسخه خطی اصل آن به شماره ۳۴۱۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (آیتی گزاری، رُبی تا) گفته می‌شود که این کتاب جزء دوم رساله اعسار می‌باشد.

۱۰- جامع الفقه: کتابی است در فقه و به زبان فارسی می‌باشد در اجوبه المسائل (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰ و تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۶۴).

۱۱- حاشیه بر جامع عباسی

۱۲- زهرالریاض: تعلیقه‌ای بر ریاض المسائل در فقه می‌باشد (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۴).

۱۳- تزویج البکر: در اثبات اینکه هر یک از پدر و جد ولایت استقلالی در تزویج باکره دارند (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۱۴- ازاحه الربیه: در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت، که ایشان خودشان همه هفته آن را ادا می‌کردند و در زمان غیبت امام زمان نماز جمعه را واجب می‌دانستند.

۱۵- رساله الاعسار: این اثر به زبان عربی است، درباره‌ی مردی که نمی‌تواند عهده‌دار مخارج زن خود باشد. ایشان در این رساله فقر را مجوز فسخ نکاح دانسته‌اند. این رساله مختصر در ماه رجب ۱۳۵۰ ه. ق/ ۱۳۰۹ ه. ش تألیف یافته و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۱۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۹).

۱۶- ارث الزوجه و الحیوه

۱۷- اجوبه المسائل الوارده من ماوراءالنهر

۱۸- رساله ای در جهاد که به زبان فارسی تألیف شده و نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی است.

۱۹- ایضاح الطریق لمن اراد الدخول فی العلم الانیقی: این نسخه مربوط به قرن چهاردهم می‌باشد به زبان عربی و در مورد فقه می‌باشد و در چند برگ آخر یادداشتی در شرح حدیثی به نقل از کتاب توحید شیخ صدوق و یادداشتی به نقل از مولی علی کنی در جواز و عدم جواز اعطاء مال امام به فقراء غیر سادات و ظاهرا مقداری از آغاز شرح مؤلف بر تبصره فوق‌الذکر آمده است و در برگ آخر یادداشت‌های متفرقه به خط مؤلف به سال ۱۳۳۷ ه. ق/ ۱۲۹۶ ه. ش آمده است.

ب) اصول

۱- ایضاح الطریق و فص العنیق: این کتاب در محاکمه بین اصولیین و اخباریهاست و اینکه هر اصولی صحیح، اخباری است و هر اخباری صحیح، در عمل اصولی است و مجتهد در استنباط هم به اصول و هم به اخبار نیاز دارد. مؤلف در این کتاب سعی دارد بین اخباری‌ها و اصولی‌ها راهی مسالمت‌آمیز پیشنهاد و بین این دو گروه الفتی ایجاد کند. شیخ محمد باقر این کتاب را در سامرا نوشت و بر میرزای شیرازی عرضه داشت که مورد پسند وی قرار گرفت. نسخه‌ی خطی آن به شماره ۳۴۱۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۹ و تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۹۶).

۲- حاشیه معالم الاصول.

۳- قطر الامطار لمن اراد الاستنباط من کتب الاخبار.

۴- التحفه الغرویه: تغریرات بحث اصولی استادش علامه شیخ تهرانی است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۱)

۵- شرح کتاب تهذیب الاصول علامه حلی: این کتاب به صورت ناقص نوشته شده است و نسخه‌ی اصل آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۱)

### ج) حدیث

۱- رساله فی فضیله العلم و العلماء العالمین: به فارسی نوشته شده و نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد.

۲- نظم حدیث کساء: این کتاب در ۱۳۴۳ ه. ق/ ۱۳۰۲ ه. ش به چاپ رسیده است و همچنین در هندوستان نیز به زبان اردو ترجمه و منتشر شده است (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۶)

۳- ترتیب اخبار التهذیب و الاستبصار، والمقنعه و الکافی: در این کتاب روایاتی را که مشایخ ثلاثه در غیر باب مناسب خود آورده‌اند، مؤلف آن را به جای خویش باز آورده است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۴- تصحیح وسائل الشیعه: او به کمک دو نفر از رجال قهستان، آقا حسین و محمدباقر طبسی، وسائل الشیعه را تصحیح نمود (سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۶).

### د) تفسیر

۱- آیات الاحکام: این کتاب فقه قرآن است که در شوال ۱۲۹۹ ه. ق/ ۱۲۵۸ ه. ش و گویا در نجف نوشته است و نسخه-ی آن به شماره ۳۴۱۴/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۳)

۲- تفسیر قرآن الکریم که ناتمام مانده است.

### ه) کلام و عقاید

۱- اکفاء المکائد فی اصلاح المفاسد: در ابتدای این کتاب آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمینو الصلوه والسلام علی محمد و اله الطاهرین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین و بعد مطلع شدم بر شکایت تو ایدک الله تعالی از غلبه فساد بر اهل زمان و انحراف بسیاری از شاهراه اتقان و ایمان و متابعه حزب شیطان و اهل هذیان از کسانی که غالب شده است بر ایشان حب ترائس و نیل شهوات از بیدینان و گفتمانی که مخصوص از آنفرقه باطله فرقه ظاله مضله صوفیه سبب مهلکه و فساد شده از برای بسیاری از ضعفاء و ...» این کتاب به زبان فارسی می‌باشد و در جواب فرقه صوفیه گنابادیه یا نعمت اللهیان می‌باشد و بویژه در رد ملا سلطان گنابادی صوفی هم عصر شیخ محمد باقر می‌باشد. این کتاب در سال ۱۳۲۶ ه. ش/ ۱۳۶۷ ه. ق در ۲۷۰ صفحه به چاپ رسیده است (بیرجندی، ۱۳۲۶: ۱-۳)

۲- الرد علی الشیخیه: این کتاب ناقص است و مؤلف موفق به اتمام آن نشده است و همانند کتاب اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد در رد بر صوفیه نوشته شده است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۲۰۳)

۳- صمصام المهدوی: این کتاب ردی بر ملاخان فاضل هروی یا هراتی است که فتوی به رجم روافض (شیعیان) داده بود که گویا همان ملا شمس هراتی خان ملا خان است و استاد شیخ محمدباقر آقا سید ابوطالب هم ردی بر کتاب وی نوشته است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱۵: ۸۸ و سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۲)

۴- لب الخطاب فی رد شبهات اهل الکتاب: این کتاب به زبان فارسی است و اینگونه آغاز می‌شود «بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله و سلام علی عبادہ الذین اصطفی اما بعد این رساله ایست موسومہ بلب الخطاب فی رد شبهات اهل الکتاب که برای تسهیل امر بر طلاب مبتدی و جوبا بحکم اذا ظهرت البدع فليظهر العالم علمه والا فعليه لعنه الله بر قلم مبارک رقم افقر عباد محمدباقر بن مولی محمدحسن نزیل بلده بیرجند صانها الله عن المحدثان جاری گردید بطریق سؤال و جواب والله الموفق للصواب امید آنکه داعیان ملت فخیمه و دولت قویمه بنظر انصاف و احتراز از اعتساف به آن نظر نمایند.» این کتاب شامل ۹۹ برگ می‌باشد و همانطور که ذکر شد به طریق سؤال و جواب است که شیخ محمدباقر آن را در رد بر شبهات اهل کتاب نوشته است (بیرجندی، ۱۳۷۳: ۱) نسخه اصل این کتاب به شماره ۳۴۱۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی و نسخه دیگری از آن در کتابخانه ملی تهران موجود می‌باشد. این کتاب جزو کتب مهمی است که در بحث نخستین رویارویی اندیشه گران در مبارزه با اهل کتاب از آن نام برده می‌شود و جزو کتب مهم در این زمینه معرفی می‌گردد (جعفریان، ۱۳۶۹: ۱۵۶)

۵- رساله‌ای در رد بابیه و بهائیه: این کتاب به زبان فارسی می‌باشد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد.

۶- نورالمعرفه: در اصول دین و شامل ۴ قطب و یک خاتمه و هر قطبی چندین فصل دارد؛ مباحثی پیرامون توحید، امامت، نبوت و معاد مورد توجه شیخ بوده و بررسی شده؛ خاتمه کتاب درباره سلسله مشایخ اوست و زنجیره روایت وی که در ۲۶ رمضان ۱۳۱۴ ه.ق/ ۱۲۹۳ ه.ش تألیف شده، این کتاب به زبان عربی و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۰۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۲۴: ۳۳۷ و مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۷- فصل الخطاب: در اثبات نبوت خاصه از کتابهای آسمانی است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۸- بدایه المعرفه: در اصول دین، که مؤلف، آن را در شهر سامرا به هنگام تحصیل نوشته، و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۱۴/۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۵۹).

## و) تاریخ

۱- بغیه الطالب فیمن رأی الامام الغایب علیه السلام: این کتاب به زبان فارسی می‌باشد و اینگونه آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله لذي نور قلوبنا بمعرفة الامام الهمام القائم والصمصام التبار المنتقم المحجوب عن ابصار الاغیار واما بعد چنین گوید قاصر از نیل معالی و مفاخر ابن المولی محمدحسن القاینی محمدباقر نزیل بیرجند ثبته الله علی موالات اولیائه و البرائه من اعدائهم اعدائه علیهم لعائن الله که بعضی از برادران ایمانی و اخلاء روحانی از این حقیر فانی خواستار شدند تا اشخاصیکه بر ولادت با سعادت غوث زمان و خلیفه الرحمن نورالله الاکبر و سراجہ الازهر سیف الله... در این عالم اطلاع یافتند و بشرف لقاء آنوجود مسعود فائز شدند و در رد بر کسانیکه ادعای مهدویت داشتند و موسوم شد به بغیه الطالب فیمن رأی الامام الغائب.» (بیرجندی، ۱۳۴۲: ۳-۲). این کتاب شامل مطالب گوناگونی در این راستا است که برخی از آنها ذکر می‌شود: مقدمه در باب تألیف کتاب، کسانی که ادعای مهدویت کردند، اظهارات بهائیان در مورد حضرت مهدی و رد آنها، حال سید محمد نوربخش، اخبار در ظهور حضرت مهدی از کتب عامه، در علائم ظهور آنحضرت، ذکر برخی از معجزات حضرت مهدی، در اثبات امامت ائمه هدی علیه السلام، در مذمت فرقه بابیه، ذکر کذابین قبل از ظهور حضرت حجه علیه السلام، ذکر کسانیکه خدمت حضرت حجه رسیدند، بعد از این مؤلف علمای قاین را ذکر می‌کند که معتقد به وجود امام غائب بودند و بعد از آن علمای قاین و بیرجند که صاحب کتاب بودند را ذکر می‌کند و بعد از آن علمای هم‌نام و معاصر با خود را ذکر می‌کند و خاتمه کتاب نام مؤلف و نسب او ذکر می‌شود، این کتاب در ۱۳۴۲ شمسی در مشهد در مطبعه خراسان به چاپ رسیده است و چاپ آن سربی می‌باشد.

۲- تذکره الطالب: به زبان عربی می‌باشد و ترجمه همان بغیه الطالب است و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۱۷/۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی می‌باشد (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۳- الدرہ البیضاء فی نبد من احوال اصحاب الکساء: به زبان عربی می‌باشد، درباره شرح احوال پنج تن آل عبا می‌باشد و نسخه خطی آن به شماره ۳۴۱۴ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۸: ۹۲ و مرعشی، ۱۰).

۴- الکبریت الاحمر فی شرائط المنبر: این کتاب از مشهورترین کتب شیخ محمدباقر به شمار می‌رود و مکرراً در ایران و هند به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان اردو نیز ترجمه شده و در ۱۳۴۳ ه.ق/ ۱۳۰۲ ه.ش در هند چاپ شده است و یکی از مهمترین کتابها در موضوع آداب منبر به شمار می‌رود. این کتاب از سه بخش تشکیل شده است، بخش نخست کتاب درباره شرایط خطابه می‌باشد، بخش دوم کتاب سی نمونه از خطابه‌های مورد قبول مؤلف است و بخش سوم نیز رساله‌ای خواندنی در شرح احوال حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام می‌باشد که رساله‌ای جداگانه محسوب می‌شود. یکی از ویژگی‌های کتاب کبریت الاحمر بررسی کتابهای مقتل و نقد برخی ناهنجاری‌ها در حوزه نقل مقاتل و ذکر مصائب اهل بیت علیه السلام است. در بخش آخر کتاب نیز زندگی‌نامه شیخ محمدباقر به صورت مختصر آمده است. چاپ اول این کتاب در روز دوازدهم ذی‌القعده ۱۳۳۰ به اهتمام الحاج شیخ محمدحسین



جمال‌الدین الخوانساری چاپ شده و شامل ۳۳۵ صفحه می‌باشد (بیرجندی، ۱۳۳۰: ۹). در رابطه با این کتاب اظهار نظرهایی شده است از جمله گفته شهید مرتضی مطهری می‌باشد که در جلد ۱ از کتاب حماسه حسینی بیان می‌دارد که: مرحوم حاج شیخ محمدباقر بیرجندی محدث که مرد بسیار فوق‌العاده‌ای بوده است، محدثی که در فن خودش متبحر بوده و حافظه‌ای بسیار قوی داشته‌است. مرد باذوق و بسیار باشور و حرارتی و با ایمانی بوده‌است؛ معمولا کتابهایش خوب است مخصوصاً کتابی در مورد منبر نوشته‌است که فوق‌العاده خوب است، در این کتاب راجع به وظایف اهل منبر سخن گفته‌است او در این کتاب شروطی را برای خطیب و روضه‌خوان می‌آورد؛ مثلاً اینکه روضه‌خوان باید خلوص نیت داشته‌باشد و روضه که می‌خواند به طمع پول نباشد و چقدر عالی در این موضوع بحث کرده‌است. شرط دیگر صدق و راستی است و در اینجاست که موضوع راست گفتن و دروغ گفتن تشریح شده و انواع دروغها را چنان بحث کرده که من خیال نمی‌کنم در هیچ کتابی درباره دروغ و انواع آن به اندازه‌ی این کتاب بحث شده‌باشد و شاید نظیر این کتاب در دنیا وجود نداشته‌باشد، عجیب این مرد تبهر از خود نشان داده‌است (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۹).

۵- مکین الأساس فی احوال مولانا ابی‌الفضل العباس: این کتاب جزء سوم از کتاب کبریت الاحمر فی شرایط منبر می‌باشد که مؤلف بعد از حمد و ثنای الهی می‌گوید که: «و بعد بدان که این جزء سیم است از کتاب کبریت‌الاحمر فی شرایط‌المنبر که جاری شد بر قلم مبارک رقم احقر عبدالله محمدباقر بن محمدحسن القاینی نزیل‌البیرجندی عفی الله عنه مخصوص میداشت بذکر آنچه متعلق است باحوال خیر منال سیدنا و مولانا زین‌الصالحین ابی‌الفضل العباس و این جزء به نام مکین الأساس فی احوال ابی‌الفضل العباس سلام‌الله علیها می‌باشد...» این کتاب به فارسی است و شامل ۵ مجلس می‌باشد: مجلس اول در بیان وجوب محبت اهل بیت و اثبات آنکه اختصاص به ائمه معصومین ندارد و شریکست در آن مولانا ابی‌الفضل العباس؛ مجلس دوم در نسب برادران و خواهران و اولادان حضرت است؛ مجلس سوم در اسم و کنیه و القاب و مناقب آن جناب است؛ مجلس چهارم در ذکر اخبار مأثوره در فضل ابی‌الفضل سلام‌الله علیها و بعضی کرامات بر زمینه آن سرور است؛ مجلس پنجم در موضع دفن ابی‌الفضل و امور متعلقه به زیارت او و در پایان کتاب نیز قصیده‌ای از مؤلف کتاب آمده‌است. این کتاب به اهتمام حاج شیخ محمدحسین جمال‌الدین خوانساری در کتابخانه ایران در ۱۳۳۰ در روز دوازدهم از ماه ذی‌القعدة (۱۲۸۹ ه.ش) در مطبعه جناب مستطاب آقا میرزا علی اصغر به چاپ رسیده است، این کتاب شامل ۱۳۲ برگ می‌باشد (بیرجندی، ۱۳۳۰: ۵-۱).

۶- مفتاح‌الفردوس: در مقدمه این اثر مؤلف پس از حمد و ثنای الهی چنین می‌گوید که: «اما بعد چنین گوید بنده حقیر قاصر محمدبن حسن المدعو بالباقر نزیل‌البیرجندی که چون اخبار بکاء و ابکاء مقید است به علی ما اصابنا و کتب متأخرین مجعولات زیاد دارد که در مجالس ائمه طاهرین سلام‌الله علیهم و علماء راشدین خوانده نمی‌شد لهذا بخاطر فقیر رسید که مقتل را خالی از حشو و زاید بنویسد اگرچه این زمان چنانچه ولی رحمن علیه الاف التحیه و الرضوان خبر به آن داد چنان است که مخفی‌تر از حق و ظاهرتر از باطل چیزی نیست و کسادترا از کتاب خدا عزوجل و اخبار رسول و ائمه هدی هرگاه تغییر داده نشود و در احتراز آن هرگاه تحریف شود و بدروغ مخلوط شود نه لیکن چون فرموده که جزاء نیت است نه بعمل دیگران، تصمیم عزم نمود و قلیلی از اخبار صحیحه در وعظ و فضایل و مصائب آل الله در تحریر آورد و مرتب گردید بر سه فردوس و موسوم شد به مفتاح‌الفردوس؛ الفردوس اول شامل پنج قصر یا پنج بخش می‌باشد: القصر الاول من فردوس الاول در مدح عقل و ذم جهل و بعض تحقیقات در معنای ایندو و تفاوت اشخاص؛ القصر الثانی: در وجوب تمسک به قرآن و اهل بیت و قلیلی از اخبار آن از طریق عامه و خاصه؛ القصر الثالث: در مذمت اخذ علم از غیر اهل بیت و عدم قیام حجتیه به آن؛ القصر الرابع: در فضیلت اهل علم و صفت شریفه خوف از خداوند عزوجل که لازمه علم است و ذکر خوف انبیاء و اولیاء؛ القصر الخامس: در آنچه اهتمام به آن بیشتر شده است علی‌الخصوص بر علماء از



تصحیح نیت قربت در عبادات و احتیاج آن به مجاهدت و مراقبت نفس که ان جهاد اکبر است و سخت تر است از طول جهاد کما فی کلام النبی و الوصی.

الفردوس الثانی: در اثبات امامت حضرت حجه الله علی جمیع الخلائق حبیب الله و حبیب رسوله محبوب العالمین ابی عبدالله الحسین ارواحنا فداه بالخصوص بطریق عامه و خاصه زیاده بر آنچه از پیش معلوم شد و شر ذمهی از معجزات و مکارم اخلاق آن سرور و واقعه‌ی طف به طرزى که اصح در این باب و اقرب بقبول است و در عالم رویا در سفر زیارت اشاره بنوشتن آن فرمودند.

الفردوس الثالث که در آن ده مجلس است؛ مجلس الاول: در ذکر بعثت حضرت خاتم النبیین صلوات الله علیه و آله اجمعین و بعض فضایل و معجزات آنحضرت و شهادت حمزه سیدالشهداء. مجلس الثانی: در شمه‌ای از معجزات حضرت رسول(ص) و وفات آن ساحت ایجاد علیه و علی آله السلام الی یوم التناد. مجلس الثالث: در پاره‌ای از مکارم اخلاق آنجناب و دیدن ستمهای بسیار بعد از بعثت. مجلس الرابع: در آنکه آنچه واقع شد در امم سابقه در این امت واقع می‌شود و بعض مناقب سیده‌النساء و ظلمهاییکه بر آن مخدره سلام الله علیها و علی ایها وارد آمد. مجلس الخامس: در باقی آنچه در امم سابقه و نظائر آن در این امت واقع شد و حکایت فدک و عوالی و بعض ستمها بر آن معصوم و ذکری از مجلس یزید لعنه الله. مجلس السادس: در فضیلت ماه رمضان و شهادت امیر المؤمنان. مجلس السابع: در ذکر بعض فضایل ممتحن حضرت امام حسن علیه آلاف الرضوان و شهادت آن سرور. مجلس الثامن: در فضیلت کظم غیظ و صبر بر تحمل بلاء و شهادت حضرت امام موسی علیه‌السلام. مجلس التاسع: در فضیلت تحصیل مقام رضا و شهادت امام رضا. مجلس العاشر: در ذکر برخی از متعلق به امام ثانی العشر الحجه المنتظر عجل الله؛ این کتاب به زبان فارسی و با تلاش حاج ملا حسین آقای رشتی و آقای حاجی آقا غلامرضا تاجر بیرجندی در طهران در مطبعه مبارکه اسلامی در ۱۳۵۲ه.ق/۱۳۱۱ه.ش در ۳۱۸ صفحه به چاپ رسیده است (آیتی گزاری، ۱۳۵۲: ۱۳-۲)

۷- کرامات الحسینیه: این کتاب مربوط به قرن چهاردهم و به زبان فارسی می‌باشد و در مورد امام حسین (ع) نوشته شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشد.

۸- وقایع الشهور و الایام: این کتاب به زبان فارسی می‌باشد و به شیوه روز شمار حوادث مهم تاریخ پیامبران و تاریخ اسلام را به رشته تحریر درآورده است. این کتاب با تلاش دو تن از تاجران بیرجندی کربلایی ملا احمد قاینی و کربلایی ملا علی بهدانی و به مباشرت آقای حسین زوار در چاپخانه اخوان کتابچی در ۱۳۱۳ه.ش/۱۳۵۴ه.ق در ۲۷۷ صفحه به طبع رسیده است.

### ز) اجازات و رجال و درایه

۱- الاجازه الوجیزه للدره الفاخر العزیزه: این رساله اجازه روایی است که آیت الله شیخ محمدباقر آیتی گزاری برای آیت الله مرعشی در ۱۳۴۱ه.ق/۱۳۰۰ه.ش در ۳۲ صفحه نوشته است و متن کامل آن به خط شیخ محمدباقر در کتاب المسلسلات فی الاجازات نقل شده است. شیخ محمدباقر در این اجازه مبسوطه علاوه بر بیان طرق روایتی خود از مطالب دیگری نیز سخن گفته است که عبارت است از: مختصری از بزرگان بیرجند و قاین، نیاز به اجازه روایت، فهرستی از آثار خود، نکاتی در اهمیت علوم رجال و درایه و بیان طرق روایتی خود از کتب اهل تسنن. آیت الله مرعشی درباره آن می‌نویسد: «احسن ما آلف فی هذا الباب من حیث اشتمالها علی فوائد مهمه رجالیه و تاریخیه» (مرعشی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۱۵). قسمتی از این اجازه‌نامه در اینجا نقل می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

الحمد لله ذی القدره القاهره الأزلیه و العزه الباهره الأبدیه، مبدع المکونات بغير رویه، و موجد المبدعات من الجلیه و الخفیة، المنزه عن مجانسه البریه، و المقدس عن المعاون فی القضیه.

ثم أفضل الصلوات الناميات و أنمی التحیات الزاکیات علی أكمل الذوات المقدسة و أفضل النفوس القدوسیه و أضوء شمس سماء المعارف الإلهیه و أسنی بروق الانباء السماویة، محمد المصطفی و عترته المرضیه، فی کل غدوة و عشیه.

و بعد، فلما أراد الله سبحانه حفظ الشریعة و أحكامها، و صون الملة الحنیفة و إحکامها، و کان ذلك منوطاً بوجود البررة من العلماء و الخیره من الفقهاء المجتهدين فی تحقیق مباحثه و كشف معاضله، المجدين فی تنقیح مسائله و حل مشاكله، النافین عنه تحریف الغالین و انتحال المبطلین المبدعین و تأویل الجاهلین المبعدين؛ ففرض کفایة علی كافة المسلمین من الأنام و غیر اهل الزمانه فی ذوی الأحلام تعرف معالم الأحکام و تعلیم شرايع الاسلام، لمن کان دونهم ممن ینزجر بالافهام، و جعلهم قرى ظاهرة و حججاً من الحجة الباهرة، و أمناء علی الحلال و الحرام، مبرئین عن النقایص و الآثام، و التارکین لهواهم، المطیعین لأمر مولاہم.

و کان ممن من الله علیه بذلك الفضل العظیم و المنّ الجسیم، الأخ فی الله، الأعزّ الأفخم، و المنخدوم المعظم المکرم، العالم العامل، العلم العلام و الحبر الخبیر القمقام، زبده الفضلاء المحققین و نخبه الفقهاء المدققین، کاشف اسرار الآثار، مبدع الأفكار الأبکار، مجموعۀ المحامد و الفواضل، جامع ما شئت من الفضائل، افتخار السادات الفخام و العلماء الاسناد الکرام، و من بخل بآیاتن مثله الآفاق و الأعوام، صاحب القوة القدسیة و الملكة القدوسیة، التي یعدب(؟) بها علی استنباط الفروع الشرعیة من القواعد و الأصول الأصلية الأصلية، البحر الخضم الزاخر، والذي إذا ذکر العلماء حکماء و الفقهاء الکرماء الیه تشنی الخناصر، سیدنا و سندنا السنی البهی، السید شهاب الدین؛ ابن المرحوم المبرور حجة الاسلام و علم الأعلام، نسابه العترة الطاهرة شمس الدین السید محمود الحکیم المرعشی، ابن نورالدین علی بن محمد بن ابراهیم - خلیفة سلطان، و بهذا الأخير وصف نفسه الشریفه بخطه الشریف علی ظهر حاشیه شیخ الاسلام علی مختصر التلخیص، يظهر منه مزید تعشقه (ره) بجمع الكتب، و هذه للشریفی علی سبک حاشیه والده المیر شریف علی المطول، حفظتها فی خزائنه کتبی تیمناً بما کتب علی ظهرها؛ و هذا الفحل الجد للسید السند المستجیر، له رسائل و حواش کثیرة، قد أثنی السید فی سلافه العصر فی أعیان العصر بلیغاً و قال: توفي فی سنه ۱۰۶۶ (؟) و سلافه العصر الخالص من العنب، اذا اعتصر و یقال له بالفارسیة: «شاه آب» - ابن عبدالفتاح ابن ضیاء الدین محمد بن محمد الصادق ابن محمد الطاهر ابن النواب السید علی بن علاء الدین السید حسین الحسینی الموسوی - الشهیر بسطان العلماء و سلطان المحققین... الحائز قصبات السبق فی جوده التدقیق و التحقیق و تحبیر التحریر و التقرير مع الاختصار، عز السابقین و اللاحقین، له (ره) حواش علی کتاب من لایحضره الفقیه، جید، و هی مکتوبه علی نسختی المصححة القدیمه؛ و حواش علی الروضة البهیة، طبعت علی النسخ، أجود ما کتبوا علیها مع اختصارها؛ و حاشیه علی اصول المعالم كذلك؛ و کتبتهای لنفسی مستقلة فی أوان قرائتی الکتاب المزبور.

۲- الدرایه و الرجال در سه جلد

۳- ذخیره المعاد فی الاجازة لافلاذ الاکباد: اجازة ای است مفصل که در ۱۳۴۴ه.ق/۱۳۰۲ه.ش تألیف شده و به شماره

۳۴۱۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (تهران، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۹ و مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰)

۴- رجال قاین: این رساله به زبان عربی می باشد و حاوی شرح حال ۶۳ نفر از علمای قاین و بیرجند است که در ۱۳۴۴ه.ش/۱۳۸۵ه.ق به همراه دو رساله رجالی دیگر از سوی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است، این رساله حاوی

۲۷ صفحه می باشد (بیرجندی، ۱۳۴۴)

۵- الفوائد الرجالیة: پیرامون چهل فایده رجالی و یک خاتمه است. بدستور آیت الله مرعشی آقای عباس شریعتی خراسانی، به خط نستعلیق نسخه ای از آن تحریر کرده که به شماره ۱۳۷۱ در کتابخانه ایشان موجود است

(سعیدزاده، ۱۳۶۹: ۴۹۵)

۶- الفوائد الطوسیه والدروس الرجالیه: به زبان عربی و پیرامون رجال و درایه می‌باشد و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۱۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد. این کتاب در ۱۳۵۰ ه.ق/۱۳۰۹ ه.ش تألیف شده است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰)

۷- الفوائد الکاظمیة: که همچنین به نام وجیزه المقال فی علم رجال نیز خوانده می‌شود و رساله‌ایست در علم رجال که در ۱۳۳۸ ه.ق/۱۲۹۷ ه.ش تألیف شده و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۱۵ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۲۵: ۵۴ و مرعشی، ۱۴۱۴: ۱۰)

#### ۸- الفوائد المکیه

۹- العوائد القرویه فی شرح الفوائد الغریه: در سه جلد و شرحی بر کتاب رجال استادش آقا سید ابوطالب قاینی است، جلد اول آن به شماره ۳۴۰۷ و جلد سوم به شماره ۳۴۰۸ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. این شرح با عنوان قوله قوله است، جلد اول آن توسط محمدحسین بن ابوتراب بیرجندی قاینی در جمعه نهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ه.ق/۱۲۸۹ ه.ش کتابت شده است؛ در این کتاب برخی از مشایخ و علمای قاین آمده است (سعید زاده، ۱۳۶۹: ۳۹۳ و تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۲۵: ۳۵۱ و همان، ج ۲۵: ۳۵۴).

#### ح) قرائت و تجوید

۱- شرح نظم اللثالی (نوشته میرزا ابوالقاسم قاری): این شرح در مشهد مقدس در ۱۲۹۶ ه.ق/۱۲۴۵ ه.ش با تمام رسیده و پیرامون تجوید قرآن است

۲- القرائه و التجوید (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

#### ط) متفرقات

۱- سفینه القماش و مدینه الریاش: این کتاب به زبان فارسی و عربی و دارای مطالب گوناگون که حاج شیخ برای سرگرمی نوشته و به سبک کشکول شیخ بهایی می‌باشد و شامل ۲۳۳ برگ می‌باشد و نسخه‌ای از آن به شماره ۳۴۰۹ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود می‌باشد.

۲- جنگ: که گویا نسخه‌ای دیگر از همان سفینه القماش است و به شماره ۳۴۱۲ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است (مرعشی، ۱۴۱۶: ۱۰).

۳- الکشکول فی مستطرفات المعقول والمنقول: حاوی نکات مختلف علمی، فلسفی و غیره می‌باشد

#### ی) اخلاق و ادعیه و زیارات

۱- الاخلاق: به زبان فارسی است، نسخه‌ی آن به شماره ۳۴۱۴/۶ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است.

۲- الرساله الرجیبه: به زبان فارسی می‌باشد، در تشویق به زیارت مشاهد مشرفه، مرقد مطهر امام رضا در ماه رجب و شرح زیارت رجیبه و جامعه صغیره می‌باشد که در ۱۳۴۹ ه.ش/۱۳۹۰ ه.ق در سه فصل به چاپ رسیده است (تهرانی، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۶۱).

۳- سیر و سلوک: در کیفیت تحصیل و عمل نوشته شده است.

۴- فاکهه الذاکرین: در مقدمه این اثر مؤلف سبب نگارش آن را چنین بیان می‌کند: «پس این رساله را وضع کردم در بیان اوراد و ادعیه مختصره که غالب عوام بتوانند به آن قیام نمایند و به سبب اشتغال به آن زبان خود را از هرزه و لغوگویی نگاه دارند و این قاصر در ثواب با ایشان شریک باشم که (الدال علی خیر کفاعله) و انجام آن در ضمن مقدمه و دوازده باب به عدد اسامی مبارکه میمونه ائمه طاهرین مصور گردید...» و بعد مؤلف از منابع معتبری که در نگارش کتاب از آنها بهره‌برده نام می‌برد؛ این کتاب به همت جمال الدین خوانساری مشهور به کتابفروش در سال ۱۳۳۳ ه.ش/۱۳۷۴ ه.ش در تهران در ۳۷۳ صفحه به چاپ رسیده است (بیرجندی، ۱۳۳۳).

۵- منجی/المستجیر: این کتاب در ردیف کتب ادعیه قرار می‌گیرد و همانند کتب مفاتیح الجنان می‌باشد (انصاری قمی، {بی تا: ۴۹}).

### ک) شعر و ادب

شیخ محمد باقر آیتی علاوه بر مقام رفیعش در علوم اسلامی، ادیب بلند پایه‌ای بود که به عربی و فارسی شعر می‌سرود و به صافی و عاصی تخلص می‌کرد و دیوان شعرش قریب دوهزار بیت است و برخی از کتابهای ادبی ایشان عبارتند از:

۱- دیوان اشعار: توسط فرزندش آیت الله شیخ محمد حسین آیتی گردآوری شده‌است که نمونه‌ای از آن اشعار در اینجا نقل می‌شود:

دولت فتح و ظفر تا که مرا یار آمد	شد چو طالع مه رخشان من از پرده غیب
سحری بهت بدم وز غم هجران نالان	کی خزان گشته بهار از طمع غیر منی
سالها یوسف ما در چه و ما منتظریم	من شدم واله و آشفته و از خود بیخود
بوالعجب اینست که آندسته گل	هاتف غییم آواز چنین داد به گوش
تو ز مائی و ز ما غافل و افتاده بدور	کوکبت آینه قدرت شاهنشاه است

۲- ارجوزه فی النحو. (انصاری قمی، {بی تا: ۴۹}).

۳- قصیده رائیه: آن را در ۱۲۹۹ه.ق/۱۲۵۸ه.ش به نظم درآورده، راجع به شفای مریضی در سامرا سروده و در درس میرزای شیرازی قرائت نموده‌است (فاضل قاینی نجفی، ۱۳۸۰: ۲۷).

آثاری که در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی نام برده‌شد آنهایی است که تا کنون برای شیخ محمد باقر آیتی شناخته شده‌است، و شاید ایشان کتابهای دیگری هم داشته باشند که و یا هنوز شناسایی نشده باشد. به هر حال این آثار می‌تواند در راه اعتلای فرهنگ تشیع گامی بلند باشد و همچنین در راه شناخت علمای منطقه بیرجند و آرای فقهی، مذهبی آنان و خدمات ارزشمندی که ارائه داده‌اند مفید واقع شود.

### نتیجه

آیت الله شیخ محمد باقر آیتی گزاری در سال ۱۲۷۶ قمری در روستای گازار از توابع بیرجند به دنیا آمدند و در حوزه های علمیه مشهد و نجف و سامرا به تحصیل پرداخت و پس از کسب درجه اجتهاد به زادگاه خویش برگشت. شیخ محمد باقر تألیفات زیادی در زمینه های مختلف علوم اسلامی دارد که برخی از آنها از قبیل کبریت الاحمر فی شرایط المنبر از اهمیت ویژه ای برخوردارند. ایشان نقش زیادی در وضعیت اجتماعی و فرهنگی منطقه ایفا نمود، ایشان مسئولیت رتق و فتق شرعیات مردم را برعهده داشتند و همه روزه مراجعات زیادی به ایشان می‌شد؛ برخی از این مراجعات از طرف حکومت محلی بود که می‌توان از جمله آنها به مسأله هبه نامه اموال امیر محمد اسماعیل خان به امیر محمد ابراهیم خان اشاره نمود که در منطقه جنجال زیادی برپا کرده و سبب اختلاف میان خاندان حکومتی و مردم شده بود اشاره کرد که شیخ محمد باقر نیز در حل و فصل این جریان نقش عمده ای ایفا نمود و چون خود شاهد به وقوع پیوستن هبه نامه بود آن را تأیید کرد. از آنجایی که مهر و امضای ایشان به بیشتر امور صحت می‌داد و مؤید آن بود، می‌توانست در حل و فصل این موضوع تأثیر بسزایی داشته باشد. در این دوران

از مناطق مختلف ولایت قهستان در امور شرعی و حقوقی و استفتاء به شیخ محمدباقر رجوع می‌کردند. یکی از مناطقی که مراجعات بیشتری داشت منطقه خوسف بود که احترام زیادی برای شیخ محمدباقر قائل بودند و بیشتر امور فقهی و اجتماعی خود را در نزد ایشان حل و فصل می‌کردند.

#### کتابنامه

- آیتی، محمدحسین، (۱۳۷۱)؛ *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قهستان*؛ مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اعتصام الملک، خانلرخان، (۱۳۵۱)؛ *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک*؛ به کوشش منوچهر محمودی، تهران: {بی جا}.
- انصاری قمی، ناصر الدین، {بی تا}؛ «آیت الله شیخ محمدباقر بیرجندی»؛ مجله مسجد، شماره ۴۴.
- بیرجندی، محمدباقر، (۱۳۳۳)؛ *فاکله الذاکرین*؛ تهران: جمال الدین خوانساری مشهور به کتابفروش.
- .....، (۱۳۵۲)؛ *وقایع الشهور والایام*؛ {بی جا}، اخوان کتابچی.
- .....، (۱۳۵۲)؛ *مفتاح الفردوس*؛ با تلاش حسین آقای رشتی و حاج غلامرضا بیرجندی، تهران: مطبعه اسلامی.
- .....، (۱۳۳۳)؛ *بکیریت الاحمر فی شرایط المنبر*؛ تهران: کتابفروشی اسلامی.
- .....، (۱۳۳۰)؛ *مکین الأساس فی الاحوال مولانا ابی الفضل العباس*؛ به همت حاج شیخ محمد حسین جمال الدین خوانساری، تهران: مطبعه آقا میرزا علی اصغر.
- .....، (۱۳۴۲)؛ *بغیه الطالب فیمن رأی الامام الغایب*؛ مشهد: آستان قدس رضوی.
- .....، (۱۳۴۴)؛ *رجال قاین*؛ تهران: دانشگاه تهران.
- تهرانی، آغا بزرگ، (۱۳۷۲)؛ *الذریعه الی تصانیف الشیعه*؛ ج ۱ تا ۲۵، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- .....، (۱۳۷۳)؛ *طبقات علام الشیعه الکوکب المنتشره فی القرن الثانی بعد العشره*، تهران: دانشگاه تهران.
- جرفادقانی، م، (۱۳۶۴)؛ *علمای شیعه از کلینی تا خمینی*؛ قم: معارف اسلامی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۶۹)؛ «سه فصل از نخستین رویارویی های اندیشه گران»؛ مجله کیهان اندیشه، شماره ۳۲، مهر و آبان.
- حسن، امین، (۱۴۱۹)؛ *اعیان الشیعه*؛ ج ۸ و ۹، بیروت: دایره المعارف تشیع.
- الحسینی، السید احمد، (۱۴۱۴)؛ *تراجم الرجال*؛ قم: مطبعه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- رضایی، جمال، (۱۳۸۰)؛ *بیرجند نامه*، بیرجند در آغاز قرن چهاردهم شمسی؛ تهران: هیرمند.
- سعیدزاده، محسن، (۱۳۶۹)؛ *رجال قاین، قم: اهل البيت*
- علیزاده بیرجندی، زهرا، (۱۳۸۵)؛ *مشاهیر بیرجند*؛ بیرجند: رزقی.
- فاضل قاینی نجفی، شیخ علی، (۱۳۸۶)؛ *ستارگان فروزان در شناخت علمای قاینات و قهستان*؛ قم: آل فاضل.
- قمی، شیخ عباس، (۱۳۸۵)؛ *فوائد الرضویه*، شرح حال ۱۲۰۰ تن از علمای جعفریه؛ با کوشش عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام.
- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۶۹)؛ *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب یا کنی و القاب*؛ ج ۳، تهران: خیام.
- المرعشی، سید محمود، (۱۴۱۶)؛ *المسلسلات فی الاجازات*؛ ج ۲، قم: مطبعه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱)؛ *حماسه حسینی*؛ ج ۱، قم: صدرا.
- واعظ خیابانی، میرزا علی، (۱۳۸۲)؛ *علمای معاصر*؛ به کوشش و تکمیل عقیقی بخشایشی، قم: نوید اسلام.